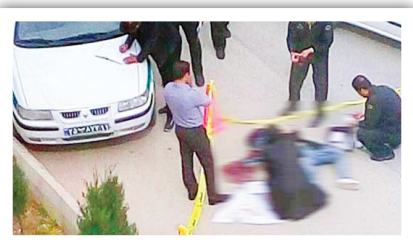


قتل ۴ نفر به دست جوان شیشه ای



پسر جوان که پس از مصرف مواد روانگردان در اقدامی جنون امیز عنفر را آماج ضربات چاقو قرار داده و ۴ نفر از آنها را به قتل رسانده بود با شلیک پلیس دستگیر شد. به گزارش همشهری، این حادثه هولناک شامگاه دوشنبه در خیابان منوچهری شیراز اتفاق افتاد. ضارب جوانی ۲۷ساله و شاگرد یک مغازه میل فروشی بود. او که از مدتی قبل به مواد روانگردان و شیشه اعتیاد پیدا کرده بود کمی قبل شیشه مصرف کرده بود و حالت عادی نداشت. او درحالی که یک چاقو در دست داشت از مغازه بیرون آمد و ناگهان بهسوی رهگذران حمله کرد و در یک چشم ب هم زدن عنفر را با ضربات چاقو هدف قرار داد. آنها یکی پس از دیگری مجروح و خون آلود روی زمین می افتادند و در برابر مرد جوان توان دفاع از خود را نداشتند. در همین حال سایر رهگذران و مغازه داران وحشت زده فرار می کردند تا در امان باشند. هنوز هیچ کس به درستی نمی دانست انگیزه مرد چاقو به دست از این حمله خونین چیست. با این حال دقایقی بعد مأموران پلیس از راه رسیدند و تلاش ها برای دستگیری ضارب آغاز شد. او درحالی که چاقوی خون آلود را به دست گرفته بود حاضر نبود خودش را تسلیم کند و حتی قصد حمله به مأموران را داشت. در این شرایط مأموران با رعایت قانون به کار گیری سلاح به پای متهم شلیک کردند و توانستند او را خلع سلاح کنند. در این شرایط بود که امدادگران اورژانس خود را به محل حادثه رساندند و در همان بررسی های اولیه معلوم شد ۴نفر از عنفری که هدف ضربات چاقو قرار گرفته بودند جان خود را از دست داده اند. در این شرایط ۲مجروح حادثه به مرکز درمانی منتقل شدند و از مرگ نجات یافتند. سردار عزیزاله ملکی، فرمانده انتظامی استان فارس درباره جزئیات این جنایت گفت: در همان لحظات اولیه، قاتل با چاقو به سمت مأموران انتظامی حمله کرده و پس از چندبار اخطار مبنی بر تسلیم شدن، نامبرده سرپیچی می کرد که با شلیک پلیس از ناحیه با مجروح و دستگیر شد. وی ادامه داد: قاتل حدودا ۲۷ساله که ظاهر اموادمخدر صنعتی مصرف کرده بود، برای سیر مراحل قانونی روانه دادرسا شد.

طناب دار بر گردن متجاوز سریالی و ۲ قاتل



پیش از آنکه آفتاب روز دوشنبه طلوع کند، ۲ قاتل و یک متجاوز به عنف در زندان قزل حصار پای چوبه دار رفتند و هر سه نفر به مدت مجازات آویخته شدند. به گزارش همشهری، نخستین فردی که سحر گاه دوشنبه پنجم خردادماه پای چوبه دار رفت، شکارچی زنان در پایتخت بود. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ با شکایت زنی جوان شروع شد. او به مأموران گفت: به بزر گراه رانندگی می کردم که موتور سواروی کنار ماشینم آمد و گفت قسمت صندوق عقب ماشینم آتش گرفته است. من هم از ترس کنار بزرگراه ایستادم و به سرعت پیاده شدم. مرد موتور سوار گفت ممکن است ماشینت منفجر شود و از من خواست که برای نجات جانم به فضای سبز رفته، حاشیه بزرگراه بروم. به محض اینکه به فضای سبز رفته، موتور سوار فریبکار به من حمله کرد و با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. با این شکایت تحقیقات برای شناسایی مرد موتورسوار آغاز شد و در مدتی کوتاه چند زن دیگر راهی اداره پلیس شدند و از مرد متجاوز شکایت کردند. با سرخ هایی که شاکیان دادند مرد متجاوز سرانجام توسط پلیس دستگیر شد و در مواجهه حضوری با ۷شاکی پرونده ناچار به اعتراف شد و اتهامش را پذیرفت. وی در دادگاه به اعدام محکوم و حکم وی دیروز اجرا شد. دومین زندانی که دیروز پای چوبه دار رفت و پرونده زندگی اش بسته شد، مردی بود که ۲۸خرداد سال ۹۷ در جریان یک درگیری دسته جمعی، مر تکب قتل شده بود. او پس از دستگیری به جنایت اعتراف کرد و گفت با مقتول اختلافاتی قبلی داشته است. او به قصاص محکوم شد و پس از قطعی شدن رأی، سحر گاه دوشنبه پای چوبه دار رفت و قصاص شد. دومین قاتلی که پرونده زندگی اش بسته شد، مردی بود که ۲۱اسفند سال ۹۸، یکی از آشنایان خود را به قتل رسانده بود. او با مقتول کری خوانی و اختلافات قبلی داشت که روز حادثه درحالی که به همراه برادرانش سوار بر خودروی ۲۰۶ بودند، مقتول را دیدند و با چاقو و قمع به ستمش هجوم بردند.

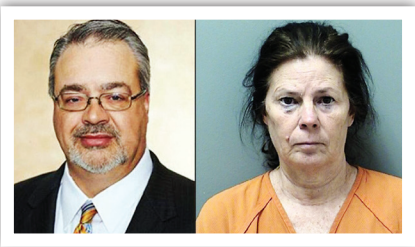
پایان زورگیری از سالمندان
سارق بی رحم که دست به زورگیری از سالمندان و افراد کم توان می زد به دام پلیس افتاد. متهم با پر سه زدن در خیابان ها، سالمندانی را که قصد ورود یا خروج از خانه شان داشتند شناسایی و با حمله به آنها با تهدید چاقو اموالشان را سرقت می کرد که از سوی پلیس پایتخت دستگیر شد.



کلاهبرداری ۶۰ میلیاردی به بهانه پیش فروش آپارتمان
مرد شبیاد که به بهانه پیش فروش واحدهای مسکونی ۶۰میلیارد تومان از طعمه هایش کلاهبرداری کرده بود دستگیر شد. این مرد هر واحد آپارتمانی را به چند نفر فروخته بود که با شکایت مالباختگان تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و دستگیر شد. او به کلاهبرداری از ۲۹نفر اعتراف کرد.



حبس ابد برای قاتل شوهر



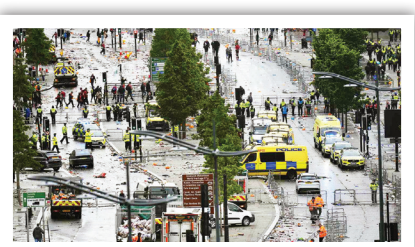
زن آمریکایی که برای به دست آوردن بیمه عمر شوهرش را به قتل رسانده و جسدش را سوزانده بود، به حبس ابد محکوم شد. به گزارش همشهری به نقل از میر، ۷سال پیش، فردی به نام اسکات در ایالت جورجیا با پلیس تماس گرفت و آنها را در جریان یک حادثه هولناک قرار داد. او به پلیس گفت که پدرش به نام گری در یک گودال آتش در حال سوختن است. پلیس و مأموران آتش نشانی عازم محل حادثه شدند. آنها آتش را خاموش کردند و در میان خاکستر آن، جسد سوختنای را پیدا کردند که قابل شناسایی نبود. جسد به پزشکی قانونی منتقل و معلوم شد که او گری است و قبل از اینکه از آتش بیفتد به ضرب گلوله کشته شده است. تحقیقات پلیس برای شناسایی قاتل آغاز شد. در بررسی ها معلوم شد که گری از مدت ها قبل با همسرش به نام ملودی اختلاف دارد و جداز هم زندگی می کنند، چرا که ملودی به او خیانت کرده بود و گری با شکایت از او قصد جدایی داشت اما ملودی حاضر نبود طلاق بگیرد. به گفته پلیس، گری یک بیمه عمر ۲میلیون دلاری داشت که در صورت فوت او بخش زیادی از آن به همسرش می رسید. از طرفی معلوم شد که ملودی بعد از مرگ همسرش تقاضای دریافت آن را داده است. همه سرخ هاشناسان می داد که ملودی در ارتکاب این قتل نقش دارد. بدین ترتیب زن ۶۴ساله بازداشت شد و به رغم اینکه هرگز به جنایت اعتراف نکرد اما شاوهد ثابت کرد که او با انگیزه دریافت بیمه عمر شوهرش وی را به قتل رسانده، جسدش را به گودال انداخته و آن را آتش زده بود. به این ترتیب زن جنایتکار محاکمه و هفته پیش به حبس ابد محکوم شد.

پزشک کلاهبردار محکوم شد



پزشک معروف تگزاسی که با جعل مدارک پزشکی، میلیون ها دلار کلاهبرداری کرده بود به ۱۰ سال زندان محکوم شد. به گزارش ای ای بی سی، چندماه پیش پلیس تگزاس شکایتی عجیب دریافت کرد. شاکی مردی بود که می گفت یک پزشک از او کلاهبرداری کرده است. او گفت: از مدت ها پیش به دلیل مشکلاتی که داشتم به یک پزشک معروف به نام رامورا مراجعه می کردم. او بیماری مرا «ام اس» تشخیص داد و در این سال ها به بهانه درمان پول زیادی از من گرفت اما هرگز بهبود نیافتم. بعد از مدتی تصمیم گرفتم پزشکم را تغییر دهم و آنجا بود که متوجه شدم اسلام اس ندارم. با این اطلاعات، پلیس تحقیقات خود را آغاز کرد و معلوم شد که پزشک معروف از سال ۲۰۲۰ تاکنون با تشخیص های دروغین خود توانسته از صدها بیمار حدود ۲۰۰ میلیون دلار کلاهبرداری کند. او با پول هایش ۱۳ویلاي بزرگ، جت شخصی و ماشین های آخرین مدل خریده بود. بررسی های پلیس نشان داد که با استفاده از سرخه های این پزشک، بیماران بسیاری دچار مشکلات حرکتی و سکنه نشین و مشکلات دیگر شده اند. بدین ترتیب پزشک، پزشک کلاهبردار را دستگیر و تمام مجوزهای پزشکی اش در تگزاس، اوریزونا و ماساچوست لغو شد. او چند روز پیش در دادگاه به ۱۰ سال زندان و پرداخت میلیون ها دلار جریمه محکوم شد.

حمام خون در جشن قهرمانی



در جریان حمله یک راننده با خودرواش به عابران در جشن قهرمانی باشگاه فوتبال لیور پول ۵۰نفر زخمی شدند. به گزارش همشهری به نقل از رویترز، ساعت ۱۵بعداز ظهر روز دوشنبه، ۲۶می (به وقت محلی)، زمانی که هزاران نفر در رژه قهرمانی باشگاه فوتبال لیورپول در لیگ برتر در خیابان واتر شهر لیورپول در انگلستان شرکت کرده بودند، یک راننده با سرعت زیاد به عابران حمله کرد. در جریان این حادثه، ۵۰نفر زخمی شدند که از این تعداد ۴کودک از زیر ماشین بیرون کشیده شدند و جراحاتی جدی دیدند. بررسی ها نشان داد که یک مرد سفید پوست ۵۳ساله، اهل لیورپول راننده این خودرو بوده است که پلیس او را همان لحظه دستگیر کرد. هنوز انگیزه این اقدام از سوی پلیس اعلام نشده است. به گفته مقامات در مجموع، ۲۷نفر با امبولانس به بیمارستان منتقل شدند و ۲۰نفر دیگر در محل حادثه تحت درمان قرار گرفتند و تعداد بیشتری نیز به دلیل جراحات وارده به مرانگاهای محلی مراجعه کردند.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری عامل جنایت ادامه داشت، متهم به قتل ساعتی بعد به اداره پلیس رفت و خودش را تسلیم کرد. او در حالی که اشک می ریخت، گفت: من به هیچ عنوان قصد قتل نداشتم و همه چیز در یک لحظه رخ داد. او درباره جزئیات درگیری مرگبار گفت: هراز گاهی با ماشینم پر ایدم مسافر کشی می کنم. روز حادثه در حال سوار کردن مسافر بودم که مقتول با مشتب به شیشه ماشینم کوبید. من که خیلی از این کار او عصبانی شده بودم، از ماشین پیاده شدم. مقتول مردی میانسال بود که می گفت چرا وارد حوزه کاری او شده ام. ظاهرا او در آن خط کار می کرد و می گفت چرامن مسافر او را سوار کرده ام؛ در حالی که نوبت او بوده تا مسافر سوار کند. بر سر این موضوع درگیر شدم و درحالی که هر دو به شدت عصبانی بودیم، با هم گولایز شدیم. اصلا نمی دانم چه شد که او را هل دادم که سرش با جدول بر خورد کرد. بعد از اینکه او روی زمین افتاد، من نیز از ترسم فرار کردم،

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول

افتاده و به آنها التماس کرده بودند تا به سعید

تلاش تیم صلح و سازش که یکی از آنها آذر

شهنواری، سفیر کمیته صلح بود، برای رضایت

از اولیای دم و نجات زندگی سعید، قاتلی که

در یک قدمی مجازات قصاص بود، شروع

شد. از سوی دیگر در آخرین جلسه صلح و

سازش، خانواده قاتل نیز به پای فرزندان مقتول